

لغو فرمان آشتی ملی

چالش سیاسی جدید در پاکستان

دیوانعالی پاکستان با لغو فرمان آشتی ملی در تاریخ 16 دسامبر 2009، زمینه شکل‌گیری چالش جدید سیاسی در این کشور را فراهم ساخته است. چالشی که احزاب سیاسی و مذهبی بازیگران پیدا و نهاد ارتش و سازمان‌های اطلاعاتی این کشور بازیگران پنهان و آمریکا (همانند هر جریان دیگری در پاکستان) عنصر خارجی تأثیرگذار در آن تلقی می‌شوند. صرف‌نظر از علل و ماهیت چالش جدید، عدم مدیریت مناسب آن می‌تواند به بحران سیاسی مخرب در پاکستان بدل شود.

مقدمه

در 18 اکتبر 2007 لغو نمود. ولی ژنرال مشرف با اعلام وضعیت فوق‌العاده در 3 نوامبر همان سال، افتخار محمد چوهدری رئیس وقت دیوانعالی را برکنار و با انتصاب عبدالحمید دوگر، مجدداً فرمان مذکور را در اوایل سال 2008 میلادی اعاده نمود.

لغو فرمان آشتی ملی

با برکناری مشرف و پیروزی حزب مردم در انتخابات سال 2008، بازگشت افتخار محمد چوهدری و تصدی مجدد ریاست دیوانعالی پاکستان، لغو فرمان ملی بار دیگر در دستور کار گروه اپوزیسیون به ویژه حزب مسلم لیگ نواز قرار گرفت. دیوانعالی پاکستان در پی تجدید شکایت شکات در 16 مارس 2009، فرصت سه ماهه‌ای را به رئیس‌جمهور این کشور داد تا فرمان مذکور را به تصویب پارلمان این کشور برساند که با انقضای آن

لغو فرمان آشتی ملی¹ از سوی دیوانعالی کشور پاکستان در تاریخ 16 دسامبر 2009، دامنه جدیدی از کشمکش‌های سیاسی را در این کشور شکل داده است. این فرمان ژنرال مشرف، رئیس‌جمهور وقت پاکستان، که با حمایت آمریکا، انگلیس و برخی کشورهای غربی همراه بود، در تاریخ 5 اکتبر 2007 به هدف ایجاد آشتی میان دولت و مخالفان صادر شد و زمینه بازگشت بی‌نظیر و نوازشریف به کشور را به وجود آورد. همچنین براساس این فرمان پرونده‌های جنائی، حقوقی و مالی متهمان که در یک فاصله زمانی 13 ساله (1986-1999) بیش از 8 هزار مورد ذکر می‌شود، مختومه اعلام گردید. با توجه به شکایت عده‌ای علیه این فرمان، دیوانعالی پاکستان آن را

1. National Reconciliation Ordinance



وعدم توفیق آصف علی زرداری، رئیس جمهور، لغو فرمان آستی ملی در تاریخ 16 دسامبر 2009 اعلام گردید. نکته قابل توجه در عدم موفقیت زرداری، عدم همراهی نهضت قومی متحد (MQM) و حزب ملی عوامی¹ و جمعیت علمای اسلام فضل الرحمان به عنوان شرکای ائتلاف حزب مردم در مجلس ملی این کشور بود.

به دنبال اعلام لغو فرمان فوق، افضل سندهو وزیر مشاور در امور قانون پاکستان فهرست اسامی هشت هزار و چهل یک نفر از افراد ذینفع فرمان آستی ملی را منتشر کرد که در بین آنها نام ۲۴۸ تن از شخصیت‌های سیاسی دولتی و غیردولتی از جمله آصف علی زرداری رئیس جمهوری، رحمان ملک وزیر کشور فدرال، چوهدری احمد مختار وزیر دفاع، حسین حقانی سفیر پاکستان در آمریکا و واجد شمس الحسن سفیر پاکستان در انگلیس دیده می‌شود. این اقدام لطمه شدیدی به حزب مردم تلقی می‌گردید و افراد ذینفع را برای استعفا تحت فشار قرار می‌داد.

چالش اساسی دولت پاکستان با لغو فرمان آستی ملی در دوره جدید آن است که اپوزیسیون و مخالفان دولت پاکستان امکان یافتند تا پرونده‌های اتهامی مقامات عالی پاکستان نظیر رئیس جمهور و وزرای کشور و دفاع این کشور در کنار بسیاری از مقامات دیگر را بازگشائی کنند و اثر اولیه آن در فشار به مقامات برای استعفا از مقام سیاسی خود تجلی پیدا نمود. این هجمه آصف علی زرداری را دربرگرفت ولی مصونیت رئیس جمهور از تعقیب قضائی عامل بازدارنده قانونی در خصوص پی‌گیری‌های حقوقی علیه ایشان به شمار می‌آید. گفته می‌شود که

آصف علی زرداری متهم اصلی در هفت پرونده اقامه شده می‌باشد.

حادثه‌ای که در روزهای اخیر در این خصوص خبرساز شد، جلوگیری از سفر رسمی چوهدری احمد مختار، وزیر دفاع، به چین بود که مأموران فرودگاه براساس دستورالعمل منتشره توسط قائم مقام وزارت کشور مانع عزیمت وی شدند. اقدام دیگر احضار رحمان ملک وزیر کشور به اتهام فساد مالی به دادگاه بوده است که بنا به اظهار سلیم بوت معاون دادستان کل دفتر محاسبات ملی (عالی‌ترین نهاد مبارزه با فساد در پاکستان) قرار است وی هشتم ژانویه 2010 (18 دی‌ماه 1388) با دو تن دیگر خود را به دادگاه معرفی کند.

نکته مهم در این خصوص تصمیم رهبران حزب مردم برای مقابله با شرایط سختی است که در آن گرفتار آمده‌اند. نقطه قوت این تصمیم سیاستی است که یوسف رضا گیلانی، نخست وزیر، در حمایت دولت پاکستان از زرداری درپیش گرفت. این حمایت از این جهت اهمیت بیشتری دارد که گفته می‌شود وی از سوی ارتش و سازمان‌های اطلاعاتی پاکستان برای عدم حمایت از رئیس جمهور تحت فشار قرار داشته است. از جمله مؤلفه‌های چنین تصمیمی آن است که دولت به عنوان مرجع صلاحیت‌دار در خارج از کشور، با دیوانعالی این کشور در گشودن پرونده‌های مقامات سیاسی در سایر کشورها همکاری نخواهد کرد. پرونده مهم مطرح در این زمینه، پرونده 1/5 میلیارد دلاری مقامات پاکستانی در بانک‌های سوئیس می‌باشد. حزب مردم ضمن رد اجبار برای استعفای رئیس جمهور و اعضای کابینه، تأکید دارد که خواهان رؤیاری بین دولت با دیوانعالی پاکستان نیست. جهانگیر بدر سخنگوی حزب مردم پاکستان در این خصوص اظهار داشته است که اتهام صرف به معنی

1. Awami National Party



گناهکار بودن یک فرد نیست و استعفا بر این اساس اقدامی درست نیست.

اقدام دیگر حزب مردم تلاش برای مقابله با شرایط سیاسی حاضر، طرح مشکلات مالی رهبران حزب مسلم لیگ نواز است. درخواست از دیوانعالی پاکستان برای صدور رأی در افتضاح بانک مهران و پرداخت رشوه به اعضای گروه سابق موسوم به "اسلامی جمهوری اتحاد" (III) به عمل آورد. اسلامی جمهوری اتحاد به رهبری نواز شریف در سال 1990 با شکست حزب مردم قدرت را به دست گرفته بود.¹

آصف علی زرداری، رئیس جمهور، در تاریخ 27 دسامبر 2009 در جریان مراسم دومین سالگرد ترور بی نظیر بوتو در روستای گری خدا بخش محل دفن بی نظیر بوتو واقع در استان سند، طی یک اظهار نظر صریح گفت: عوامل غیردولتی برای تجزیه پاکستان و نهادهای وابسته به این کشور تلاش می کنند. وی همچنین ضمن تصریح برای مقابله با توطئه ها تصریح کرده است: من از مقام خود استعفا نخواهم داد و در کاخ ریاست جمهوری باقی خواهم ماند و یا راهی زندان خواهم شد.

اکثریت احزاب سیاسی پاکستان ضمن انتقاد از سخنرانی زرداری، مفاد آنرا ضد ارتش و دیوانعالی قلمداد کردند. مسلم لیگ نواز، حزب مردم پاکستان را به خاطر تضعیف نهادهای موجود در داخل کشور مقصر شناخت. سید منور حسن امیر جماعت اسلامی، آنرا "اتهام نامه" علیه ارتش توصیف نمود. مسلم لیگ (قائد اعظم)، سخنرانی زرداری رئیس جمهور را به عنوان سخنان ایراد شده توسط یک مرد وحشت زده خواند. در این رابطه ژنرال

1. مطالب فوق با استناد به مطبوعات مختلف پاکستان در فاصله اول تا دهم دی ماه 1370 ذکر شده است.

(بازنشسته) میرزا اسلم بیگ رئیس اسبق ستاد نیروی زمینی هشدار داده است که در صورت عدم اجرای حکم دیوانعالی پاکستان در خصوص NRO، ارتش در کنار قوه قضائیه برای اجرای آن قرار خواهد گرفت.

البته اخیراً با فروکش کردن کشمکش های سیاسی، سازمان ملی حسابرسی از دادگاه های ویژه حسابرسی خواسته است، دادخواست های مربوط به فساد مالی علیه آصف زرداری رئیس جمهور را به علت برخورداری وی از مصونیت تحت قانون اساسی، احیا نکنند. یک شعبه دادگاه عالی لاهور نیز حکم حبس سه ساله صادره توسط دادگاه ویژه حسابرسی در دادخواست های اقامه شده علیه رحمان ملک وزیر کشور فدرال را به حال تعلیق در آورده است. شعبه مزبور همچنین با آزادی وی با قید ضمانت از طریق ارائه دو ضمانت نامه هر کدام به ارزش یکصد هزار روپیه موافقت کرده است.

مواضع احزاب سیاسی

رهبران حزب مسلم لیگ نواز که بیشترین تلاش را در اعاده حکم لغو فرمان آشتی ملی (NRO) داشتند، پس از توفیق به کرات خواهان گشایش پرونده های اتهامی مقامات مربوطه در دیوانعالی پاکستان شدند. نواز شریف رئیس این حزب، فرمان آشتی ملی (NRO) مغایر با قانون اساسی اعلام و از وزرای و بوروکرات های ذینفع از مزایای فرمان مزبور خواسته است از مقام خود استعفا دهند. وی همچنین از دولت خواسته است رأی صادره توسط دیوانعالی کشور در خصوص فرمان آشتی ملی را به مرحله اجرا بگذارد. وی همچنین نسبت به تردید دولت در لغو نمودن متمم هفدهم قانون اساسی که بنا به دستور ژنرال پرویز مشرف تصویب گردیده و تمامی اختیارات نخست وزیر تحت قانون اساسی را به رئیس جمهور انتقال داده بود، ابراز تأسف کرده است.



تأکید فراوان مسلم لیگ نواز بر لغو متمم هفدهم قانون اساسی پاکستان زمینه ساز تشدید اختلاف بین محمد نواز شریف رهبر زرداری بوده است. محمد نواز شریف خواهان اعاده قانون اساسی به قبل از 12 اکتبر 1999 و نیز از بین بردن کلیه اقدامات مغایر با قانون اساسی از سوی مشرف در سوم نوامبر 2007 می‌باشد. وی در عین حال تأکید کرده است که استعفا و یا مؤاخذة زرداری مطرح نیست.

بر اساس اخبار منتشره زرداری با لغو متمم هفدهم قانون اساسی و کاهش اختیارات رییس جمهوری مخالفت نخواهد کرد. متمم هفدهم قانون اساسی که در دسامبر 2003 توسط مجلس ملی با حمایت مجلس متحده عمل تصویب گردید اختیارات همه جانبه به رییس جمهوری سابق پاکستان (پرویز مشرف) و گذار نمود که انحلال مجلس ملی و برکناری نخست وزیر از آن جمله است. بی نظیر بوتو و محمد نواز شریف در سال 2006 منشور دموکراسی را جهت لغو متمم هفدهم قانون اساسی امضا کردند. با وجودی که حزب مردم در ابتدای مستقر شدن در رأس حاکمیت بر لغو متمم هفدهم تأکید کرده بود تا به امروز این مسأله محقق نشده است.

یوسف رضا گیلانی نخست وزیر پاکستان نیز اعلام کرده حزب مردم از لغو متمم هفدهم قانون اساسی در صورتی حمایت خواهد کرد که لایحه مزبور به اتفاق آرا از سوی پارلمان پذیرفته شود. حذف متمم هفدهم و کاهش اختیارات رییس جمهوری، در عمل زرداری را در جایگاه مقامی تشریفاتی قرار خواهد داد. محمد نواز شریف همچنین طی نامه‌ای به یوسف رضا گیلانی، آورده است: ما بدان جهت از دولت حمایت می‌کنیم تا بتواند در مقطع حساس و مشکل با اطمینان خاطر به مسؤولیت‌های ملی

و دموکراتیک خود عمل کند. اما مایل نیستیم که شکست دولت، شکست دموکراسی تلقی شود.

چو دری نثار علی خان، رهبر اپوزیسیون از حزب مسلم لیگ نواز نیز اخیراً با بیان اینکه لازم است زرداری حکم دیوانعالی را اجرا نماید، تصریح کرد که نمی‌توانیم به وی تضمین دهیم که خواهان استعفا یا نخواهیم شد و در صورت عدم اجرای آن حکم، حزب مسلم لیگ استعفا یا وی را خواستار خواهد شد. راجا ظفر الحق از اعضای شورای مرکزی حزب مسلم لیگ نواز شریف نیز طی مصاحبه ای با خبرنگار صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران گفته است: مردم پاکستان مخالف صدور فرمان آشتی ملی بودند و هم اکنون نیز حزب مسلم لیگ نواز شریف خواهان پیگیری پرونده‌های مربوط به فرمان آشتی ملی مشرف است و معتقد است احزاب باید به رأی دیوانعالی پاکستان در پیگیری این پرونده‌ها احترام بگذارند.

نواز شریف رهبر مسلم لیگ (نواز) در آخرین اظهار نظر خود در جلسه کمیته اجرایی مرکزی حزب مسلم لیگ در اسلام آباد اظهار داشته است: هیچ‌گونه تهدیدی برای دموکراسی در کشور وجود ندارد ولی نحوه برخورد غیردموکراتیک دولت می‌تواند به نظام حاکم آسیب برساند. افراد ذینفع از مزایای "فرمان آشتی ملی" (NRO) باید از مقام خود استعفا کنند و یا با اقدام دادگاهی مواجه گردند. وی از دولت تقاضا نمود که پول افراد متهم تحت فرمان آشتی ملی را از بانک‌های سوئیسی به کشور بازگرداند.¹

1. بولتن خبری سفارت جمهوری اسلامی ایران در پاکستان مورخ 1388/10/11



عمران خان، رهبر حزب تحریک انصاف پاکستان در این خصوص گفته است: سیاستمداران بی‌دین و فاسد یک تشکیلات مشترک برای خود بوجود آورده‌اند. وی افزود: توطئه‌ها علیه دیوانعالی و قوه قضائیه ادامه دارد و برای نجات آن راه‌پیمایی بزرگ انجام خواهیم داد. به گفته وی اعضای حزب مردم پاکستان با وارد نمودن اتهامات علیه برادران شریف می‌خواهند معامله سیاسی کنند.

طارق عظیم از اعضای حزب مسلم‌لیگ قائد اعظم، حزب حاکم در زمان مشرف، طی مصاحبه‌ای با اشاره به اینکه 90 درصد از اعضای حزبی با این فرمان مخالفند می‌گوید: هرچند هدف مشرف از این فرمان، آغاز فصل جدیدی از تاریخ پاکستان در فضایی کاملاً آشتی‌جویانه بود، ولی این قانون، امتیازات زیادی به سیاستمدارانی می‌داد که میلیون‌ها روپیه از کشور خارج کرده بودند.

منورحسن امیر جماعت اسلامی پاکستان با انتقاد از فرمان آشتی ملی مشرف اعلام کرده فهرست افراد ذینفع از مزایای این فرمان که توسط وزیر مشاور در امور قانون منتشر شده این نکته را اثبات کرده که حکمرانان کنونی از جمله رییس جمهوری و وزرای کابینه‌های فدرال و ایالتی فاسد هستند. وی استعفای کلیه وزیران دولت فدرال و آصف علی زرداری رئیس جمهوری را خواستار شده است.

موضع آمریکا

مقامات رسمی آمریکا اظهارنظر صریحی در این خصوص نداشته‌اند و در مطبوعات این کشور نیز کمتر به این موضوع پرداخته شده است. از میان مطالب منتشره در مطبوعات این کشور، مقاله روزنامه بوستون گلوب¹ در شماره مورخ 21 دسامبر 2007 جالب توجه است. در بخشی از این مقاله با عنوان "بی‌طرفی خود را در پاکستان نشان دهید" آمده است: برای پرهیز از وخیم‌ترساختن

شرایط خطرناک کنونی، باید اصل هدایت‌گر اوباما این باشد که آمریکا جانب هیچ‌کدام از احزاب سیاسی پاکستان را نگیرد. پاکستانی‌های خشمگین از دخالت آمریکا عمدتاً به معامله پشت پرده طراحی شده توسط دولت بوش در سال 2007 میلادی اشاره می‌کنند که طی آن ژنرال مشرف، رئیس‌جمهور وقت، به خواست آمریکا زمینه عفو را فراهم ساخت که اجازه می‌داد زرداری و همسرش بی‌نظیر بوتو از تبعید بازگردند تا بی‌نظیر بتواند حزب مردم را در انتخابات رهبری کند. بوتو ترور شد و همسرش رئیس‌جمهور شد. بی‌دلیل نیست که بسیاری از پاکستانی‌هایی که از فساد و ناکارآمدی زرداری مطلع هستند، آمریکا را در تحمیل وی به کشورشان مسؤول می‌دانند. چیزی تغییر نمی‌کند اگر واشنگتن حمایت واشنگتن به سمت نواز شریف رقیب اصلی زرداری سوق پیدا کند. شریف پیش از این دوره نخست‌وزیری را پشت سر گذاشته است که یادآور فساد افسار گسیخته، اشاعه هسته‌ای و گرایش او به حمایت از شبه‌نظامیان مسلمان می‌باشد. اوباما همچنین می‌بایستی از هر اشاره‌ای که بیانگر تمایل آمریکا به یک دولت نظامی در پاکستان باشد، پرهیز نماید.²

ایستگاه رادیویی موسوم به "رادیو آزاد" نیز که توسط دولت آمریکا تأمین مالی می‌شود طی تفسیر سیاسی که روز دوشنبه درباره پاکستان پخش نموده گفت: شرایط موجود در پاکستان به سوی یک کودتای نظامی دیگر پیش می‌رود. اقتصاد ملی سقوط نموده، فساد مالی فراگیر شده و تروریسم به صورت یک بیماری درآمده است. در این تفسیر آمده است که این بار ارتش پاکستان برای کودتا هیچ نیازی به استفاده از تفنگ و تانک پیدا

2. www.boston.com/bostonglobe/

1. Boston Globe



نخواهند کرد. آنها می‌توانند تا زمانی منتظر بمانند تا اینکه دولت منتخب مردم گرفتار هرج و مرج شود و آنگاه ارتش به عنوان ناجی ملت در صحنه قدرت ظهور خواهند کرد و قدرت را بدست خواهند گرفت.

نتیجه‌گیری

دو سناریو در علل شکل‌گیری وضعیت سیاسی کنونی در پاکستان بیش از عوامل دیگر محتمل است. سناریو اول به تکرار تاریخ در این کشور و مبارزه قدرت میان حزب مردم و حزب مسلم لیگ نواز باز می‌گردد. همان طوری که که در مطالب فوق‌الذکر طرح گردیده، رقابت سیاسی دو حزب رقیب مردم و مسلم لیگ علت عمده ظاهری در جلوگیری از تصویب فرمان آستی ملی در مجلس پاکستان و سپس طی مراحل لغو آن از سوی دیوانعالی پاکستان می‌باشد. موضوع اتهام فساد مالی علیه آقای آصف زرداری مسبوق به سابقه است و وی در همین رابطه متحمل 11 سال زندان شده است. مخالفان در طرح اتهام فساد مالی به ایشان از نامبرده با لقب آقای ده درصدی یاد می‌کنند. لذا این موضوع نقطه ضعف عمده‌ای بود که مخالفان و به ویژه حزب رقیب در جهت لطمه اساسی به حزب مردم و در صدر آن، آقای زرداری می‌توانستند از آن بهره‌برداری کنند.

در اینکه حزب مسلم لیگ در مقطع حاضر، با این حربه به دنبال ساقط کردن زرداری و در مرحله بعد شکست دولت حزب مردم می‌باشد نمی‌توان اظهار نظر صریحی کرد. آنچه در شرایط حاضر قابل ذکر می‌باشد، وجود برخی شواهد مبنی بر اعمال فشار به زرداری در جهت حذف متمم 17 قانون اساسی بعنوان هدف نخست مسلم لیگ نواز است. تحقق این هدف می‌تواند راه محمد نواز شریف در تصدی سمت نخست وزیری تسهیل نماید. از سوی دیگر ساقط نمودن دولت حزب مردم در شرایط

کنونی که پاکستان با بحران‌های داخلی و خارجی ریشه داری مواجه می‌باشد، نمی‌تواند حرکتی عاقلانه و در جهت منافع مسلم لیگ نواز تلقی گردد. به هر حال این میراث شوم می‌تواند هر دولت دیگری را نیز در گرداب خود به قهقرا برد. ضمن اینکه تجربه تلخ دو دوره نخست وزیری نیمه تام خانم بوتو از حزب مردم و نواز شریف از مسلم لیگ نواز، در صورت نیمه تمام گذاشتن دولت کنونی حزب مردم برای مسلم لیگ نواز نیز قابل تکرار است. اقدام حزب مردم در طرح فساد مالی حزب مسلم لیگ نواز نیز هشدار است به رهبران آن حزب که اقدام متقابل علیه آنان قابل اجرا می‌باشد.

سناریو دوم در خصوص شکل‌گیری چالش جدید سیاسی در پاکستان به استراتژی جدید آمریکا در خصوص پاکستان بازمی‌گردد. این وضعیت با اعلام استراتژی جدید آمریکا موسوم به "استراتژی اف پک" آغاز گردید و با تصویب لایحه کری - لوگر تشدید گردید. نکته کلیدی این سیاست این است که آمریکا از این پس تعامل گذشته با پاکستان با محوریت ارتش این کشور را پی‌گیری نخواهد کرد بلکه کمک به دولت‌های غیرنظامی تقویت خواهد شد. تفاوت این نگاه با سیاست گذشته آمریکا این است که این کشور از این پس مایل نیست ارتش فعال مایشاء در اسلام‌آباد باشد، بلکه در جهت توسعه سیاسی با مختصات پاکستانی آن تلاش خواهد کرد. نکته مهم دیگر همراهی زرداری و دولت برآمده از حزب مردم با نگاه جدید آمریکا به پاکستان بود که شرایط را برای بقای ارتش این کشور با شاکله کنونی دشوار می‌کند. فشار آمریکا به ارتش این کشور برای تشدید اقدامات در جنگ با طالبان و القاعده و حتی متهم ساختن بخش‌هایی از



ارتش و آی اس آی به همکاری و همکاری با طالبان، این وضعیت را برای نهاد قدرتمند دشوارتر می‌کرد. این شرایط باعث گردید که ارتش باردیگر از پشت صحنه قدرت‌نمایی کرده و با کمک به ایجاد تزلزل در موجودیت دولت کنونی، توان و ظرفیت خود را بار دیگر به رخ واشنگتن بکشد. تصویب نوع نگاه اوباما به روابط با پاکستان با گذشته متفاوت است. اوباما در استراتژی جدید خود موسوم به اف پک کمک به نهادهای مدنی را مطرح و سپس با بر کناری مشرف و کسب قدرت توسط غیرنظامیان، ارتش از پشت صحنه ایفای نقش می‌کند.

این سناریو تنها به کمک ارتش به چالش سیاسی فوق‌الذکر در پاکستان باز نمی‌گردد، بلکه این احتمال که این در تنش کنونی میان پاکستان و آمریکا نیز ایفای نقش مهمی دارد، کم نیست. از جمله موارد این تنش که اخیراً خبرساز گردید، امتناع دولت پاکستان از تمدید ویزای پرسنل آمریکائی است. آقای گردون لوبولد در تحلیل این وضعیت در روزنامه کریستین ساینز مانتیور می‌نویسد: دولت پاکستان از تمدید ویزا به دولت آمریکا و پرسنل نظامی پیمانکاران سرباز می‌زند، تصمیمی که نشانگر موج احساسات ضد آمریکائی است که میلیاردها دلار برنامه‌های کمک آمریکا را در معرض تهدید قرار می‌دهد. این سردی دیپلماتیک در زمانی است که سفارت آمریکا در پی افزایش پرسنل آمریکائی برای نظارت بر کمک یک‌ونیم میلیاردی غیرنظامی آمریکا به پاکستان است. این کمک بخشی از یک تلاش برای نمایش یک التزام بلند مدت به این کشور است. این امر به نگرانی در پاکستان دامن زده است و منتقدین می‌گویند که کمک به حاکمیت

پاکستان لطمه می‌زند.¹ همان‌گونه که مشاهده نمی‌شود حرکت ایجاد شده در جهت ممانعت در شکل‌گیری کمک غیرنظامی به پاکستان است، که ارتش پاکستان آن را در راستای منافع بلندمدت خود ارزیابی نمی‌کند.

اختلاف دیگر میان آمریکا و ارتش پاکستان در تشدید اقدامات علیه طالبان و القاعده در مناطق قبائلی این کشور است که با مخالفت ارتش پاکستان همراه شده است. در واقع ارتش پاکستان ادامه این وضعیت مخالف با سیاست ثابت این کشور را در افغانستان تلقی می‌کند. مخالفتی که برای آمریکائی‌ها قابل پذیرش نیست. آقای دیوید اگنتیوس در شماره 17 دسامبر روزنامه واشنگتن‌پست طی مقاله‌ای با عنوان چگونه مشارکتی می‌تواند حاکمیت پاکستان را تقویت نماید² می‌گوید: با همراهی آمریکا پاکستان می‌تواند حاکمیت خود را برای اولین بار به تمام مناطق قبائلی خود تسری دهد و وظیفه ساختن ملت خود را تکمیل کند. این یک مثال کلاسیک است که استراتژیست‌ها از آن به بازی با برآیند مثبت³ یاد می‌کنند. با همکاری یکدیگر، واشنگتن و اسلام‌آباد به منافی دست می‌یابند که جداگانه کسب آنها امکان‌پذیر نیست. ولی به جای همکاری آنها در ماه گذشته پیام‌های تلخ مبادله کردند. آمریکا از پاکستان خواست که در بستن بهشت طالبان به این کشور کمک کند، پاکستان پاسخ داد که به ما نگوئید چه کار باید بکنیم. حقیقت این است که موفقیت آمریکا در افغانستان به کسب حاکمیت پاکستان در کمربند قبائلی بستگی دارد. اگر شورشیان به حفظ

1. Gordon Lubold, "Official: Pakistan Snubbing US Help by Refusing Key Visas" Christian Science Monitor (17 December 2009)

2. David Ignatius, "How Partnering with the U.S. Could Strengthen Pakistan's Sovereignty" Washington Post (17 December 2009).

3. Positive sum game



بهشت خود در وزیرستان شمالی و دیگر مناطق قبائلی ادامه دهند، سیاست افزایش سرباز اوپاما در افغانستان شکست خواهد خورد.^۱

رخداد دیگر در این راستا بستن مرکز اطلاعاتی آمریکا در شهر سیهالا در نزدیکی کاهوتا مهمترین مرکز تأسیسات هسته‌ای پاکستان است که گفته می‌شود تحت فشار دستگاه نظامی صورت پذیرفته است. به نوشته مطبوعات پاکستان وزارت کشور به پرسنل آمریکایی مستقر در داخل این اردوگاه واقع در دانشکده آموزشی پلیس دستور داد بدون تأخیر محل مزبور را ترک گویند و به محوطه سفارت آمریکا در اسلام‌آباد انتقال یابند. آمریکا در سال 2003 اردوگاهی در آن دانشکده برای دادن آموزش به پلیس در زمینه مبارزه علیه تروریسم پلیس تأسیس نموده بود. ولی این اردوگاه آمریکایی که در داخل محوطه دانشکده آموزشی پلیس قرار داشت به یک دژ محکم مبدل گردید و حتی به مقامات پلیس پاکستانی متعلق به این دانشکده اجازه ورود به این پایگاه آمریکایی داده نمی‌شد.

پرسنل سازمان اطلاعات آمریکایی "سیا" و سازمان تحقیقات فدرال (FBI) در این پایگاه مزبور مستقر بودند و

لوازم و ادوات بسیار پیشرفته برای استراق سمع در این پایگاه آمریکایی نصب گردیده بود که فاصله آن پایگاه با حساس‌ترین تأسیسات هسته‌ای پاکستان مستقر در کاهوته تنها 9 کیلومتر بود. سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا فعالیت‌های مرموزی را در این پایگاه انجام می‌داد و مشغول نظارت بر فعالیت‌های تأسیسات هسته‌ای پاکستان واقع در کاهوته با استفاده از لوازم حساس موجود در این پایگاه آمریکایی بودند. رسانه‌ها و حقوقدانان پاکستانی از مدت چهار ماه گذشته مرتباً برای تعطیل نمودن این پایگاه نظامی آمریکایی که در حوالی کاهوته قرار داشت تقاضا می‌کردند.^۲

عوامل فوق می‌توانند در یک راستا نیز نگرینسته شوند که برآیند آنها این است که ارتش پاکستان در پی آن است که ثابت کند سیاست جدید آمریکا در این کشور کارگشا نیست و نگاه به نهاد ارتش در این کشور باید به شکل سنتی آن بازگشت نماید.

جلال کلانتری

مرکز مطالعات آسیا و اقیانوسیه

1. بولتن خبری روزانه سفارت جمهوری اسلامی ایران - شماره 284 مورخ 1388/1/11

1 .www.washingtonpost.com

